

# استاد علی اکبر سرفراز

## پیشاز پژوهش‌های عهد ایلخانی



پیرام آجورلو

دکتری باستان‌شناسی

پژوهش‌های باستان‌شناختی ستاره‌ای است درخشان که در هزاره‌های تاریخ می‌درخشد تا روشنی بخش راه پژوهشگرانی باشد که در ظلمت آن گم گشته‌اند. استاد "علی اکبر سرفراز" نیز از معدود چهره‌های ماندگار ایران شناسی است که به نوبت خویش، مشعلی فرا راه جویندگان حقایق ایران کهن گرفته است.

تاریخ ساز شود! سرفراز با پیروزی انقلاب اسلامی به مدیریت موزه ایران باستان و مرکز باستان‌شناسی وقت منصوب شد و به مدت یک دهه مدیر گروه‌های باستان‌شناسی دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس بود. سرفراز را همچنین با کاوش‌هایی چون بیشابور، تنگ چوگان و نیایشگاه مسجد سلیمان می‌شناسند؛ و نام ایشان بیشتر با باستان‌شناسی و هنر عهد ساسانی هم‌نشین و مترادف شده است؛ ولیک سرفراز به همان اندازه که پژوهشگر آثار ساسانیان و یا حتی به واسطه کاوش در جزیره خارک و برازجان متخصص عهد هخامنشیان شناخته می‌شود، از پیشگامان باستان‌شناسی و هنر عهد ایلخانی است.

علی اکبر سرفراز در سال ۱۳۰۶ ه.ش در همدان به دنیا آمد؛ پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد دانشسرای عالی شد؛ و سال‌ها در مناطق محروم به تدریس و مبارزه با جهل و بی‌سوادی پرداخت. شور و اشتیاق روز افزون به دانش اندوزی و نه ثروت اندوزی، ایشان را به تحصیل در رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران برانگیخت؛ تا پس از دریافت درجه کارشناسی ارشد، سرنوشت ایشان با هفت هزار روز در بیابان رقم خورد!

سرفراز پویا بود؛ و همین پوییش او را به تخصص مرمت ابنیه سنگی و موزه‌داری رهنمون شد. سرفراز سال‌ها به کاوش و پژوهش‌های صحرایی پرداخت و حجاب ظلمت را از چهره بسیاری از آثار باستانی ایران برکشید؛ تا در تاریخ ایران، خود

مطالعات تاریخی عهد ایلخانی در عرصه ایران شناسی هر چند با آثار قلمی کسانی چون عباس اقبال، شادروان زریاب خوبی و پروفیسور منوچهر مرتضوی بنیان نهاده شده است، اما بی هیچ شک و شبیه‌ای یگانه امتیاز باستان‌شناسی و تاریخ هنر عهد ایلخانی به علی اکبر سرفراز تعلق دارد! استاد سرفراز در دهه ۱۳۴۰ ه.ش هنگامی که تاریخ پژوهان اولین گام‌ها در بازنگری تاریخ ایلخانیان و تدوین متون گذشته‌نگار را برمی‌داشتند، و آن هنگام که هنوز از مسائل عصر ایلخانیان منوچهر مرتضوی خبری نبود و دونالد نیوتن ویلبر کوهن آمریکایی مطالعات معماری ایلخانی را پوشش عملیات جاسوسی سازمان سیا قرار داده بود و آرتور پوپ درباره مسجد علیشاه با شاید و اما و اگر سخن می‌گفت تا کسی از راز قاچاق میراث فرهنگی ایران آگاه نشود و با برتولد اشپولر، پتروشفسکی، برناووسکی، مینورسکی و آن لمبتن هنوز تاریخ ایلخانیان را نه از شواهد باستان‌شناختی، که از صفحات تاریخ

برمی‌کشیدند و از عرضه تزیی تاریخی گرفتار در دور تسلسل فراتر نمی‌رفتند، رصدخانه مراغه را کاوش کرد؛ تا به ایران شناسان نیک بفهماند که باستان‌شناسی یعنی ارتباط مستقیم با تاریخ؛ و تاریخ نه بر مبنای اوراق تاریخی، که بر بنیان شواهد ملموس مادی تحریر و تفهیم می‌شود!

از هفت اثر و مجموعه تاریخی شکوهمند به جای مانده از تمدن ایران عهد ایلخانی، چهار اثر تخت سلیمان، رصدخانه مراغه، ارک



تنگن با دانشجویان

برازجان سال ۸۵



هفت تبه، سال ۴۰- از چپ دکتر کوشی، دکتر ننگیان، دکتر صراف، خادم دانش پور، پرور، آقای نبوتی، دکتر ورجاوند، کابلی، دکتر سرفراز، فرزادگان و دانشجویان.

مطالعات تاریخی عهد ایلخانی در عرصه ایران شناسی هر چند با آثار قلمی کسانی چون عباس اقبال، شادروان زریاب خوبی و پروفیسور منوچهر مرتضوی بنیان نهاده شده است، اما بی هیچ شک و شبیه‌ای یگانه امتیاز باستان‌شناسی و تاریخ هنر عهد ایلخانی به علی اکبر سرفراز تعلق دارد

۵۶

کوشک‌ها و سراهایی با پلان چهار ایوانی بسازند؛ که مغولان بدان جا "ستوریق" می‌گفتند.

ربع رشیدی تبریز فصل پایانی کاوش‌ها و مطالعات ایلخانی استاد سرفراز پیش از بازنشستگی است. در سال ۱۳۵۸ سرفراز به مدت یک فصل در ویرانه‌های محله یوسف آباد تبریز که آنجا را شادروان حاج حسین نخجوانی خرابه‌های ربع رشیدی پنداشته و ثبت کرده بود، کاوش کرد. هر چند که عده‌ای مالیخولیا زده بی آن که روش کاوش بدانند هنوز در میان زباله‌ها، ربع رشیدی ساخته ذهن نخجوانی و ویلبر و پوپ را می‌جویند تا از نمذ بیت المال و طرح‌های ملی برای خود کلاهی بیافند، اما نتایج کاوش‌های سرفراز نشان داده است که این ویرانه نه ربع رشیدی، که قلعه رشیدی است!

بیش از دو دهه پژوهش‌های میدانی، تألیف ده‌ها مقاله علمی و کتاب و تربیت صدها دانشجوی باستان‌شناسی، که هم‌اینک بسیاری از ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی اند، علی‌اکبر سرفراز را یکی از چهره‌های درخشان و ماندگار ایران‌شناسی کرده است؛ که امتیاز پیشگامی در مطالعات عهد ایلخانی به ایشان اختصاص دارد.

#### منابع

آجورلو، بهرام. ۱۳۸۰. معماری ایلخانی آذربایجان: پژوهشی در ارک تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (زیر چاپ).  
سرفراز، علی‌اکبر. ۱۳۴۷. تخت سلیمان. انتشارات دانشگاه مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه آذربایجان، تبریز.  
منصوری، سید امیر؛ آجورلو، بهرام. ۱۳۸۲. «بازشناسی ارک علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن»، مجله علمی و پژوهشی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۱۶.  
مرتضوی، منوچهر. ۱۳۷۰. مسائل عصر ایلخانان. چاپ دوم. تهران: نشر آگاه.

Kleiss, W. "Bericht über zwei erkundungs fahrten in nord west- Iran", AMI, Band II, ۱۹۶۹.  
Kleiss, W. "Notiz zur Alishah Mosche (Ark) in Tabriz", AMI, Band XIV, ۱۹۸۱.  
Minorsky, V. "Tabriz", First Encyclopedica of Islam: ۱۹۳۶-۱۹۱۳, in E. J. Brill (ed.), Vol. VII, ۱۹۸۷, pp. ۵۹۳-۵۸۳.



بیشاپور سال ۴۹. یکی از علما و مسئولین شهر  با خبرنگار آمریکائی سال ۴۸ پیشاپور



علیشاه و ربع رشیدی تبریز را علی‌اکبر سرفراز کاوش و معرفی کرده است؛ کما این که به گفته آکادمیسین جعفر غیائی، استاد کرسی معماری و تاریخ هنر آکادمی علوم آذربایجان، ایشان در موضوع دو اثر دیگر یعنی مجموعه شروانشاهان باکو و گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان صاحب نظر اند؛ و در این میان تنها شنب‌غازان یا همان غازی‌ها هنوز در دل تبریز کهنسال مدفون بوده و از انظار غایب است!

پس از کاوش رصد خانه مراغه و پدیدار کردن تأسیسات یکی از حوزات اربعه علمی ایران در آذربایجان عهد ایلخانی، بنا به قول پروفیسور منوچهر مرتضوی، استاد سرفراز به سوی ارک علیشاه تبریز رفت تا آن را از مسجد علیشاه تبریزی بازشناسد؛ بزرگترین مسجد در تاریخ معماری جهان اسلام.

سرفراز در سال ۱۳۵۰ ه.ش با کاوش ارک علیشاه تبریز دریافت که این بزرگترین طاق بند تمامی اعصار تاریخ معماری جهان، بازمانده‌های همان مسجد علیشاه نیست؛ و در این باره ایران‌شناس نمایانی چون دونالد ویلبر و آرتور پوپ، که در کسوت ایران‌شناسی و باستان‌شناسی جاسوسی می‌کردند، راه ناصواب رفته‌اند! ارک علیشاه تبریز بازمانده‌های طاقی بلند است که پاکار قوس آن از ارتفاع ۳۶ متری آغاز می‌شد و از الحاق دو بنای متفاوت شکل گرفته است که هرگز در سمت و سوی قبله دیوار محراب نداشته است.

کشف حقیقت و عرضه صورت درست پدیده‌های باستانی خود پدیده‌ای کم‌نظیر در دانش باستان‌شناسی است؛ و علی‌اکبر سرفراز با کاوش ارک تبریز نه‌فرا پدیده‌ها، بلکه پدیده‌ها را دریافت. و لفرام کلاسیک در مقاله‌ای که در نشریه AMI منتشر کرده، بدین حقیقت معترف است!

تخت سلیمان از دیگر کاوش‌های آثار عهد ایلخانی است؛ که کتاب آن با سرمایه مادی و حمایت معنوی دانشگاه تبریز (آذربایجان سابق) برای اولین بار در سال ۱۳۴۷ ه.ش منتشر شد؛ و در همان سال در فهرست منابع درسی آکادمی علوم آذربایجان قرار گرفت. در اینجا علی‌اکبر سرفراز توانست دو چهره متفاوت از تخصص باستان‌شناختی خویش را هم‌زمان و موازی با یکدیگر به نمایش گذارد؛ یعنی ساسانیان و ایلخانیان!

تخت سلیمان در شهرستان تیکان تپه استان آذربایجان غربی

بازمانده‌های آثار معماری ساسانی و ایلخانی است. در عهد ساسانی پیرامون دریاچه‌ای با بستر آهکی که در باورهای دینی آن دوران مقدس شمرده می‌شد و آتش مقدس شاهنشاهی ساسانی و ارتشتاران ایرانی در آنجا نهاده شده بود، بناهایی افراشته بودند. به نظر می‌رسد که این آثار در لشکرکشی هرակلیوس در اواخر سلطنت خسرو پرویز به آذربایجان ویران و تخریب گردید؛ تا این که آباقاخان مغول دستور داد تا بر روی همان ویرانه‌ها



بیش از دو دهه پژوهش‌های میدانی، تألیف ده‌ها مقاله علمی و کتاب و تربیت صدها دانشجوی باستان‌شناسی، که هم‌اینک بسیاری از ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی اند، علی‌اکبر سرفراز را یکی از چهره‌های درخشان و ماندگار ایران‌شناسی کرده است